

## روابط اجتماعی در شهر و روستا

(مورد مطالعه: شهرستان سمیرم)

منصور حقیقتیان<sup>۱</sup>، مصطفی امید<sup>۲</sup>

### چکیده:

شهرها در عصر حاضر از جهات گوناگون اهمیت یافته‌اند و به طور فزاینده‌ای بر زندگی تعداد زیادی از افراد تأثیر می‌گذارند. اینکه زندگی در شهر چگونه بر روابط اجتماعی ساکنان آن تأثیر می‌گذارد، از مسائل مهم جامعه‌شناسی است. هدف این مقاله بررسی تطبیقی روابط اجتماعی در شهر و روستا به منظور آزمون میزان تأثیر شهرنشینی بر روابط اجتماعی است. چارچوب نظری تحقیق با کمک دیدگاه‌های لوئیس ویرث، هربرت گنز و کلود فیشر تدوین شده است. روش تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و جامعه آماری شامل کلیه افراد ۲۰ تا ۶۰ ساله شهرستان سمیرم بود که از بین آن‌ها، ۳۸۵ نفر از دو شهر و ۱۰ روستا با شیوه نمونه‌گیری متناسب با حجم انتخاب شدند. متغیر وابسته روابط اجتماعی بود که توسط روابط با اعضای خانواده، روابط با دوستان، روابط با همسایگان، روابط با اقوام و آشنایان سنجیده شد. اعتبار ابزار تحقیق از نوع صوری و ضریب آلفای کرونباخ پایایی آن ۰/۷۵ بود. برای آزمون رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یکطرفه و آزمون t استفاده شده است. نتایج نشان داد که روابط اجتماعی در حد متوسط (۳/۲۲ از ۵)، اعتماد اجتماعی نیز در حد متوسط (۳/۲۹ از ۵)، اعتقادات مذهبی بالاتر از متوسط (۳/۶۳ از ۵) و وضعیت اقتصادی پایین‌تر از متوسط (۲/۶۸ از ۵) بود. آزمون‌های آماری نشان از غیرمعنادار بودن رابطه محل سکونت و جنسیت با روابط اجتماعی داشت. وضعیت تأهل، تحصیلات و اعتقادات دینی با روابط اجتماعی دارای رابطه معناداری بود.

واژه‌های کلیدی: روابط اجتماعی، تحصیلات، شهرنشینی، اعتقادات دینی، سمیرم

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان mansour\_haghighatian@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان mostafa.omidi60@gmail.com

## مقدمه و بیان مسأله

شهرها در همه کشورهای جهان از جمله ایران به مراکز عمده و اصلی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده‌اند (ساسن، ۲۰۰۷: ۴۷۶؛ توفیق، ۱۳۸۳: ۱۹۵) و جمعیت آن‌ها در حال رشد می‌باشد. تعداد افرادی که در ایران در شهرها زندگی می‌کنند طی چهل سال گذشته بیش از هفت برابر شده (ربانی، ۱۳۸۵: ۲۱۸) و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۰ شمسی، تنها ۲۳ درصد جمعیت ایران در روستاها سکونت داشته باشند (توفیق، ۱۳۸۳: ۱۹۷). شهر مکانی است که بر خلاف مکان‌های روستایی از ویژگی‌هایی نظیر جمعیت زیاد، تراکم، عدم تجانس ساکنان، تخصصی شدن مشاغل و ... برخوردار است. خصوصیات شهری باعث شده است که روابط اجتماعی شهری در کانون پژوهش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی شهری قرار گیرد. موضوع نوع تأثیرپذیری روابط اجتماعی از پدیده شهرنشینی مسأله بسیار بحث‌انگیزی است. در حالی که نتایج برخی تحقیقات حکایت از فرسایش سرمایه اجتماعی، تنزل کیفیت و میزان روابط اجتماعی در شهرها می‌کنند (شارع پور، ۱۳۸۳: ۳۲۳؛ عبدالمهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۱۸؛ لویا، ۲۰۰۷: ۴۷۰)، نتایج تحقیقات دیگر نشان‌دهنده بالا بودن وفاق اجتماعی و یا رضایت افراد از روابط اجتماعی‌شان است (بزی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۵؛ وامقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸۸؛ نقدی و کمریگی، ۱۳۸۹: ۱۵۷). روابط اجتماعی در فضا و زمان اتفاق می‌افتد؛ مجاورت می‌تواند علت شروع رابطه اجتماعی باشد، اما شرط کافی آن نیست و میزانی از تجانس برای حفظ این روابط لازم است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان روابط اجتماعی را به دو نوع روابط اجتماعی فیزیکی (چهره به چهره) و روابط اجتماعی مجازی (الکترونیکی) تقسیم‌بندی کرد. با وجود نظرات مطرح شده درباره روابط نوین مجازی که فن‌آوری‌های الکترونیکی را موجد و پشتیبان روابط اجتماعی در جامعه می‌داند، به نظر می‌رسد این فن‌آوریها باعث فرسایش روابط اجتماعی فیزیکی شده و ماهیت این روابط را تحت تأثیر قرار داده و آن را به روابط صرفاً کاری تقلیل داده است. بنابراین این تحقیق در پی فهم و بررسی ساختارهای روابط اجتماعی فیزیکی و چهره به چهره و برخی عوامل مؤثر بر آن

می‌باشد.

شهر سمیرم نیز از این مسائل مستثنا نیست و کاستیها و مشکلاتی در روابط اجتماعی افراد و خانواده‌های آن قابل دیده می‌شود. به نظر می‌رسد با وجود اینکه این شهر از لحاظ ویژگیهای شهری و صنعتی، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نداشته است ولی ظواهر زندگی شهری را به خوبی دریافت کرده و مصداقی بر این دیدگاه برخی جامعه‌شناسان باشد که «جهان سوم زندگی شهری را بدون صنعتی شدن تجربه می‌کند». بنابراین این تحقیق روابط اجتماعی شهری و روستایی را در شهرستان سمیرم به صورت مقایسه‌ای بررسی می‌کند.

### مبانی نظری پژوهش

در بررسی روابط اجتماعی شهری، سه دیدگاه کلی مطرح است. قدیمی‌ترین این‌ها، دیدگاه جبرگرایی یا اکولوژیکی است که ادعا می‌کند شهرنشینی به طور طبیعی و جبری به ظهور ویژگی‌های خاصی منجر می‌شود. از منظر این دیدگاه شهر به دلیل متغیرهای اکولوژیکی نظیر جمعیت زیاد و متراکم، نامتجانسی ساکنان، اقتصاد پولی، وسائل آسان ارتباطات و رفت و آمد و محرکه‌های شهری باعث می‌شود که شهرنشینان دارای روابط اجتماعی متفاوت از ساکنان دیگر مکان‌ها مثل روستا باشند. صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند که در بین شهرنشینان شیوه زندگی خاصی وجود دارد که این شیوه ویژه شهر است؛ این شیوه خاص نه فقط در مورد روابط اجتماعی بلکه در کلیه ابعاد رفتارهای شهرنشینان یافت می‌شود. لوئیس ویرث (ویرث، ۱۹۳۸: ۱). از دیدگاه ویرث، افزایش شمار ساکنان در یک مکان فراتر از حد معین، بر روابط بین آنها و خصوصیات آن شهر تأثیر می‌گذارد. قیدهای خویشاوندی، مناسبات همسایگی و دیگر عواطفی که ممکن است در بین افراد یک اجتماع سنتی قومی وجود داشته باشد، در شهر وجود ندارد و یا در بهترین حالت ضعیف است؛ در چنین شرایطی رقابت جایگزین رسوم همکاری و همدردی که خاص جوامع قومی است می‌گردد. افزایش شمار ساکنان یک اجتماع بیش از یکصد نفر، بالطبع امکان

آشنایی و تماس رو در روی افراد را با یک فرد از بین می‌برد. در شهر روابط بیشتر از نوع ثانوی هستند تا اولیه. تماس‌ها در شهر ممکن است چهره به چهره باشد اما با وجود این، آنها غیرشخصی، سطحی، گذرا و جزئی هستند. وی بر این نظر است که تراکم جمعیت سبب به وجود آمدن تفاوت‌ها و تخصصی شدن می‌گردد. تراکم در بردارنده تماس‌های فیزیکی نزدیک اما در همان حال تماس‌های اجتماعی فاصله‌دار می‌باشد. پیامد افزایش تراکم جمعیت در نهایت، جدایی محل کار از سکونت، تنش‌های شدید عصبی ناشی از سرعت و تکنولوژی پیشرفته حاکم بر مناطق پرتراکم، فاصله اجتماعی و تنهایی است. از نظر نامتجانسی جمعیت نیز وقتی عده کثیری افراد ناهمگن در جایی اجتماع کنند، فرایند غیرشخصی شدن پدیدار می‌گردد و روابط پولی، جایگزین روابط شخصی می‌شود. (ویرت، ۱۹۳۸: ۲۴)

فردیناند تونیس در کتاب کلاسیک خود با عنوان گمین شافت (اجتماع) و گزل شافت (جامعه)، به بررسی ویژگی‌های زندگی شهری و روستایی پرداخته است. او بر این باور است که روابط شخصی، صمیمی و عاطفی خانواده، گروه‌های خویشاوندی و همسایگی ویژگی گمین‌شافت، عاملی در جهت کنترل اجتماعی است؛ در مقابل، تونیس معتقد است که روابط اجتماعی مبتنی بر کارایی و عقلانیت و خالی شدن این روابط از روابط شخصی، عاطفی و صمیمی و سطحی شدن کنش‌های متقابل اجتماعی، ویژگی روابط اجتماعی در گزل‌شافت یا شهر است. (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۲۵)؛ از این رو، به نظر تونیس، در شهر مردم به فکر منافع خود بوده و روابط بدون عواطف انسانی، سطحی و حساب‌گرانه در بین آنان حاکم است.

زیمل، یکی دیگر از صاحب‌نظران اصلی این دیدگاه بر این باور است که در شهر فرد به ناچار در مقابل هجوم محرک‌های بی‌شماری قرار می‌گیرد و اگر بخواهد در مقابل هریک واکنش نشان دهد، انرژی عاطفی زیادی نیاز دارد، بدین سان ویژگی اساساً عقلانی حیات ذهنی کلان‌شهرها برخلاف حیات ذهنی شهرهای کوچک و روستاها که مبتنی بر احساسات و روابط عاطفی است، بیش از پیش فهم‌پذیر می‌گردد. انسان کلان‌شهری در

مقابل گسست‌های عمیق که به واسطه آن نوسانات و تغییرات محیط بیرونی، او را تهدید می‌کند، نوعی ابزار حفاظتی به وجود می‌آورد و مانند یک فرد در محیط روستایی نیست که بر مبنای احساس و عاطفه با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و به جای واکنش عاطفی، اصولاً به شیوه‌های عقلانی واکنش نشان می‌دهد. (به نقل از پالن، ۲۰۱۱: ۱۲۱). به نظر زیمل انسان‌های شهری افرادی تودار و خویشان‌دار هستند؛ نتیجه این امر برای مثال، بی-خبری از همسایگانی است که سالها در مجاورت آنها زندگی می‌کنیم. این امر در مقایسه با مردم شهرهای کوچک، مردمان کلان‌شهر را به عنوان انسان‌های سرد و خشک و به دور از آداب معاشرت معرفی می‌کند.

دیدگاه دوم، دیدگاه ترکیب‌گرایی است و معتقد است که روابط اجتماعی شهرنشینان متنوع است و ممکن است هم روابط اجتماعی مبتنی بر صمیمیت و عاطفه و هم روابط اجتماعی مد نظر جبرگرایان وجود داشته باشد و تفاوت در آن را می‌توان حاصل متغیرهایی نظیر تفاوت‌های طبقاتی، قومیت، سن، جنس، وضعیت تأهل، درآمد، وضعیت تحصیلی، نژاد، نوع شغل و پیشینه افراد دانست و نه ناشی از متغیرهای اکولوژیکی شهری. (صدیق سروستانی، ۱۳۷۱: ۲۰۲). در واقع از این دیدگاه خود شهرنشینی هیچ اثری بر روابط اجتماعی ساکنان شهر ندارد، زیرا رفتارها ناشی از ترکیب گروه است. این دیدگاه تفکیک شدید بین شهر و روستا را، به عنوان دو عنصر مخالف از لحاظ روابط اجتماعی نپذیرفته است.

اسکار لوتیس، یکی دیگر از نظریه‌پردازان این دیدگاه بیان می‌دارد که حلقه‌های اجتماعی دوستانه در محیط‌های شهری بر اساس خویشاوندی، قومیت، همسایگی، نوع شغل، شیوه زندگی با ویژگی‌های همانند شخصی تشکیل شده است که حتی در شهری‌ترین محیط‌ها ادامه پیدا می‌کند و متغیرهای تعداد، تراکم و ناهمگونی فرهنگی افراد نمی‌تواند شاخص‌های تعیین‌کننده مهمی برای زندگی اجتماعی و شخصیت انسان باشد. (صدیق سروستانی، ۱۳۷۱: ۲۰۳).

هربرت گنز از جمله صاحب‌نظران مطرح این دیدگاه، با مطالعه روابط اجتماعی و

همسایگی آمریکایی‌های ایتالیایی تبار در آمریکا به این اعتقاد رسید که در شهرگروه‌های مختلفی وجود دارند که هرکدام از آنها روابط اجتماعی خاصی دارند. به نظر وی آنچه جبرگرایان بویژه ویرث اظهار می‌کنند نادرست است و در شهر فقط یک نوع شیوه زندگی وجود ندارد. روابط اجتماعی اختصاصی مد نظر ویرث فقط در مرکز شهر ممکن است وجود داشته باشد و سایر مردم شیوه زندگی متفاوتی دارند که ویرث به آنها توجه نکرده است. (گنز، ۱۹۸۲: ۱۸). در واقع گنز بر این عقیده است که روابط اجتماعی مردم مرکز شهر را نمی‌توان مانند ویرث به تمام مناطق آن تعمیم داد (کاسینیتز، ۱۹۹۵: ۱۶۷). او پنج گروه اجتماعی را در شهرهای آمریکا بررسی می‌کند تا شیوه‌های مختلف زندگی را در شهر نشان دهد و اینکه چگونه می‌توان این شیوه‌های متفاوت را تبیین کرد.

گروه اول، جهان‌وطنان هستند. این گروه شامل دانشجویان، هنرمندان، نویسنده‌ها، موسیقی‌دانان، سرگرم‌کننده‌ها و همچنین دیگر روشنفکران و حرفه‌ها می‌باشند. بیشتر افراد این گروه، مجرد و یا بدون بچه هستند. آنها شهر را به دلیل دسترسی به تسهیلات فرهنگی ویژه انتخاب می‌کنند. آنها با همسایگان خود ارتباطی ندارند و برای خلوت و زندگی خصوصی خود ارزش زیادی قائل هستند و تماسهای سطحی با همسایگان خود دارند.

گروه دوم، مجردان یا بی‌بچه‌گان هستند. بخش اعظم آنها زندگی انتقالی دارند. آنها به خاطر مرحله چرخش زندگیشان که آزاد از مسؤولیت‌های خانوادگی متضمن برخی روابط با ناحیه محلی است، با همسایگان ارتباطی ندارند.

گروه سوم روستائیان قوم‌گرا هستند. آنها گروه‌های قومی هستند که در داخل شهر زندگی می‌کنند. آنها بر خویشاوندی و گروههای اولیه تأکید دارند و در بین آنها گمنامی و تماسهای گروه ثانوی وجود ندارد.

گروه چهارم و پنجم، محروم‌شدگان و در تله‌افتادگان هستند که اغلب از مسکینان، معلولان، مطلقه‌ها و بیوگان و سیاهان خرابه‌نشین و آلونک‌نشین‌ها تشکیل می‌شوند.

گنز می‌گوید: این پنج گروه همه در محیط‌های مترکم و ناهمگون زندگی می‌کنند.

همچنین آنها چنان شیوه‌های زندگی متنوعی دارند که فهمیدن اینکه چطور تراکم و ناهمگونی، می‌تواند یک تأثیر مشترک و عمومی را اعمال کند سخت است.

گنز معتقد است که شرایط اقتصادی، ویژگیهای فرهنگی، مراحل چرخه زندگی و ناپایداری محل اقامتی، شیوه‌های متنوع روابط اجتماعی را به طور رضایت‌بخش‌تری از تعداد، تراکم و ناهمگونی تبیین می‌کنند. با اینکه گنز برای نقش ویژگیهای افراد در تبیین روابط اجتماعی در شهر اهمیت قائل است، با این وجود او بر این باور است که تفاوت‌هایی بین روابط اجتماعی محیط‌های شهری و غیرشهری وجود دارد که ویژگی‌های مقیمان قادر به تحلیل آنها نبوده، بنابراین باید به جنبه‌های محیطی نسبت داده شوند؛ آنجاست که مشخص می‌شود، شهر و غیر شهر تا چه اندازه در تبیین روابط اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل عمل خواهند کرد (گنز، ۱۹۸۲: ۲۱۸).

در هر حال از نظر گنز در تبیین روابط اجتماعی در شهر و غیر شهر، ترکیبی از ویژگیهای افراد مانند تفاوت‌های طبقاتی، قومیت، سن، جنس، وضعیت تأهل، درآمد، وضعیت تحصیلی، نژاد و نوع شغل نسبت به عوامل محیطی از اهمیت بیشتری برخوردارند و اینکه مکان شهری با توجه به ویژگیهای آن از اهمیت چندانی در تحلیل روابط اجتماعی برخوردار نیست. در مجموع با توجه به دیدگاه گنز مبنی بر عدم تفاوت چشمگیر روابط اجتماعی بین شهر و روستا، در این پژوهش از نظریات وی برای سنجش ارتباط متغیرهای فوق‌الذکر (سن، جنس و ...) با روابط اجتماعی استفاده می‌گردد.

سومین دیدگاه در این زمینه، دیدگاه خرده‌فرهنگی است. صاحب‌نظر اصلی دیدگاه خرده‌فرهنگی، کلود فیشر است که در مقاله خود با عنوان «به سوی تئوری خرده‌فرهنگی شهرگرای» (۱۹۷۵: ۱۳۲۶)، معتقد است در حالی که بیشتر تفاوت‌های موجود در روابط اجتماعی بین افراد در کلان‌شهری، به دلیل عوامل زمینه‌ای مثل طبقه و نژاد بوده، سهم ویژه رفتار در بین افراد بر اساس محل سکونتشان متفاوت است. به دلیل اندازه جمعیت شهر، ساکنان شهر بزرگ فرصت دارند که به شیوه‌هایی عمل کنند که ساکنان روستایی معمولاً آن را به سختی می‌یابند. براساس دیدگاه خرده‌فرهنگی در زندگی شهری، ساکنان

شهر برای برقراری رابطه با افراد متنوع‌تر نسبت به آنهایی که در مکان‌هایی با جمعیت کمتری زندگی می‌کنند، فرصت بیشتری دارند. براساس این دیدگاه، تنوع خرده‌فرهنگی شهرها با اندازه جمعیت بزرگ ساخته شده، در بین رفتارهای شهری و روستایی تفاوت‌هایی ایجاد می‌کند؛ بنابراین زندگی شهری به جای اینکه هرکسی را در درون توده-ای گمنام غرق کند، به رواج خرده‌فرهنگ‌های گوناگون گرایش دارد که یک شهر کوچک یا روستا اجازه پیدایش چنین تنوع خرده‌فرهنگی را نمی‌دهد.

با توجه به این موضوع، فیشر مانند ترکیب‌گرایان معتقد به وجود حلقه‌های صمیمی ارتباط در شهر است. به نظر او روابط اجتماعی شهرنشینان در قالب خرده‌فرهنگها و گروههای اجتماعی تقویت می‌شود.

#### چارچوب نظری

مرور دیدگاه‌های نظری نشان می‌دهد جبرگرایان شهر را عاری از روابط اجتماعی عاطفی و صمیمانه می‌دانند و بر این باورند که شهر دربردارنده انزوا، تنهایی، روابط سرد، خشک و سطحی فاصله اجتماعی است. در این دیدگاه آنچه باعث شکل‌گیری این نوع از روابط می‌شود خود شهر است؛ بنابراین در محیطهای روستایی چنین شیوه‌هایی یافت نمی‌شود. در مقابل نگاه منفی جبرگرایان به شهر، ترکیب‌گرایان قرار دارند که معتقدند در شهر روابط اولیه و پیوندهای مبتنی بر صمیمت و عاطفه در بین شهرنشینان در گروه‌های مختلف وجود دارد اگرچه شهر ممکن است دربردارنده ساکنانی نیز باشد که روابطی از نوع آنچه مدنظر جبرگرایان است، داشته باشند و خلاصه اینکه روابط اجتماعی شهری مملو از تنوع است و آنچه این تنوع را تبیین می‌کند، ترکیبی از ویژگی‌های افراد مانند تفاوت‌های طبقاتی، قومیت، سن، جنس، وضعیت تأهل، درآمد، وضعیت تحصیلی، نژاد و نوع شغل است تا ویژگی‌های اکولوژیکی شهر. در این میان دیدگاه فیشر یا خرده‌فرهنگی، با هر دو دیدگاه قبلی موافق است به این صورت که شهر و ویژگی‌های آن، افراد با ویژگی‌های مشابه را به هم نزدیک می‌کند و روابط اجتماعی در شهر در قالب خرده‌فرهنگها تقویت می‌شود. با توجه به آنچه در توصیف روابط اجتماعی ساکنان شهری بیان شد در این



تحقیق برآنیم که روابط اجتماعی ساکنان شهرستان سمیرم را با توجه به دو دیدگاه جبرگرایی و ترکیب‌گرایی بررسی می‌کنیم؛ به این معنا روابط افراد این شهر دارای ویژگی‌های مدنظر جبرگرایان است یا ترکیب‌گرایان. اما از لحاظ تبیین روابط اجتماعی همان‌طور که ملاحظه شد هر سه دیدگاه قادر به تبیین بخشی از واقعیت روابط اجتماعی در شهر هستند. دیدگاه ترکیبی به متغیرهای بیش‌تری در تبیین و تحلیل روابط اجتماعی شهرنشینان توجه کرده است و تحلیل کامل‌تری را نسبت به جبرگرایان ارائه می‌دهد اما بی‌توجهی به خود مکان شهر باعث می‌شود که تحلیل ترکیب‌گرایان نقص داشته باشد. دیدگاه‌های جبرگرایی و خرده‌فرهنگی نشان می‌دهند که در تحلیل روابط اجتماعی در شهر با توجه به ویژگی‌های آن، باید به شهر به عنوان بستری که در برقراری روابط اجتماعی مؤثر است توجه کرد؛ از این رو هم خود شهر و هم ویژگی‌های افراد در روابط اجتماعی آن‌ها مؤثر است؛ به این معنی که روابط اجتماعی افراد را باید با توجه به بستر محل سکونت مورد بررسی قرار داد که در این بستر افراد دارای ویژگی‌های متفاوت و نوع روابط اجتماعی متفاوت خواهند بود برای مثال جهان‌وطنان در شهر ممکن است که با همسایگان خود روابطی نداشته باشند اما همین افراد در قالب خرده‌فرهنگ‌ها با افراد شبیه خودشان دارای روابط صمیمانه‌ای هستند. بی‌توجهی به بستر شهر در تحلیل روابط اجتماعی شهرنشینان، ما را از شناخت واقعیت روابط اجتماعی در شهر باز می‌دارد. دیدگاه خرده‌فرهنگی نقش بستر شهری در روابط اجتماعی را با صراحت بیش‌تری نشان می‌دهد. نقدی که بر دیدگاه جبرگرایی می‌توان وارد کرد این است که بستر شهری بر همه افراد شهرنشین تأثیر یکسانی دارد در حالی که افراد دارای ویژگی‌های متفاوت، دارای تجربه‌های متفاوتی در شهر هستند. گیدنز می‌گوید: «اندیشه‌های ویرث تا اندازه‌ای اعتبار خود را حفظ کرده‌اند اما تحقیقات بعدی نشان می‌دهد که بیش از حد تعمیم داده شده‌اند. شهرهای امروزی اغلب متضمن روابط اجتماعی غیرشخصی و گمنام بوده اما در عین حال منبع تنوع و گوناگونی و گاه صمیمیتند» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۲۱۴).

### پیشینه تحقیق

مروری بر ادبیات تجربی تحقیق نشان از عدم وجود اجماع حتی نسبی در این زمینه است زیرا شاخص‌های به کار گرفته شده برای سنجش جنبه‌های مهم روابط اجتماعی متفاوت هستند بنابراین مقایسه نتایج تا حدی مشکل است. برخی پژوهش‌ها روابط اجتماعی را به صورت واضح و مستقیم مورد آزمون قرار داده‌اند و برخی دیگر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و یا کیفیت زندگی را محک زده‌اند. در زیر به برخی از این تحقیقات اشاره خواهد شد.

جلایی پور و عبدالله پور در سال ۱۳۸۸ تحقیقی با عنوان «روابط اجتماعی شهری: پژوهشی در چگونگی و عوامل مرتبط با آن در شهر سردشت» انجام داده‌اند و به منظور توصیف و تبیین روابط اجتماعی، سه سطح روابط خویشاوندی، همسایگی و دوستی با الهام از دیدگاه‌های جبرگرایی و ترکیب‌گرایی به کار گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میانگین روابط اجتماعی در هر سه سطح بالا بوده و منطبق با ویژگی‌های دیدگاه ترکیب‌گرایی است. اگرچه بین ویژگی‌های شهرنشینان و میزان روابط اجتماعی آنها در هر سه سطح تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود اما این تفاوتها بجز در رابطه بین سن و تحصیلات با رابطه همسایگی و همچنین تحصیلات و رابطه خویشاوندی، در مورد بقیه متغیرها رابطه معناداری وجود ندارد. در مجموع می‌توان گفت که فقط دو متغیر سن و تحصیلات، تغییرات روابط اجتماعی را در سطوح خویشاوندی، همسایگی و دوستی در بین ساکنان شهر تبیین می‌کنند.

اعظم زاده و دهقان دهنوی در سال ۱۳۸۸ در مورد رابطه بین شبکه روابط اجتماعی و وضعیت شغلی تحقیقی به عمل آورده‌اند. روش پژوهش در این مطالعه پیمایش و اطلاعات از طریق پرسشنامه از میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و شهید بهشتی جمع‌آوری شده است. روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای و حجم نمونه نیز به تعداد ۲۱۰ نفر تعیین شده بوده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که به طور کلی شبکه روابط اجتماعی با وضعیت شغلی دانشجویان دارای رابطه‌ای مثبت است و در این

میان نقش تعاملات اجتماعی بیش از ساختار، حمایت‌ها و روابط رسمی و غیررسمی می‌باشد. به نظر می‌رسد تحقیق انجام شده دارای دامنه بسیار محدودی بوده و از بسیاری از فاکتورهای قابل بررسی صرف نظر گردیده است. مسأله حائز اهمیت آن است که اگر روابط اجتماعی برخی زمینه‌های لازم برای یافتن شغل مناسب را فراهم می‌آورد، پس عواملی که این دست روابط را مورد تأثیر قرار می‌دهد نیز دارای اهمیت شایانی است که محقق در پژوهش حاضر سعی بر پاسخگویی به این کاستی دارد.

علیرضائزاد و سرایی در مورد «گستره شبکه روابط اجتماعی زنان شهری و تأثیر تحصیلات دانشگاهی و اشتغال بر آن» تحقیقی را در سال ۱۳۸۶ انجام داده‌اند. نکته مهم در این زمینه شناخت عناصر مدرن به نسبت عناصر سنتی در این مجموعه روابط است. نتایج مطالعه حاکی از آن است که ترکیبی از عناصر مدرن و سنتی قابل مشاهده است اما به نظر می‌رسد عناصر سنتی همچنان در این ترکیب عناصر مسلط و تعیین‌کننده است. مهمترین رابطه زنان شهری ایرانی حول محور روابط خانوادگی آنها شکل گرفته است و مهمترین عناصر موجود عبارتند از: روابط خویشاوندی و نیز روابط نقشی که عناصر مدرن را در شبکه روابط اجتماعی زنان شهری نمایندگی می‌کند. نتایج به دست آمده از مطالعات کمی بیانگر آن است که زنان با تحصیلات بالاتر و همچنین زنان شاغل دارای روابط اجتماعی عمیقی هستند. در حقیقت نتایج نشان می‌دهد که این دو متغیر نتوانسته‌اند از سطح روابط اجتماعی زنان در جامعه بکاهند. و علاوه بر تحصیلات و اشتغال متغیرهای بسیار مهم دیگری وجود دارند که بتوانند روابط اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهند. متغیرهایی چون اعتماد اجتماعی، اعتقادات مذهبی و ... که در پژوهش حاضر بدانها پرداخته شده است.

باستانی و صالحی هیکویی در سال ۱۳۸۷ در مورد «شبکه روابط اجتماعی، سرمایه اجتماعی شبکه، جنسیت و حمایت اجتماعی» پژوهشی را به انجام رسانده‌اند. هدف اصلی این پژوهش، مطالعه سرمایه اجتماعی شبکه زنان و مردان در تهران می‌باشد. در این پژوهش که با روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه انجام شده است، تأثیر جنسیت

و متغیرهای زمینه‌ای بر سرمایه اجتماعی شبکه مورد آزمون قرار گرفته است. جامعه آماری را افراد ۱۸ سال به بالای تهران تشکیل می‌دهند. حجم نمونه ۳۲۰ نفر است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای با احتمال متناسب با حجم انتخاب گردیده است. نتایج پژوهش حاکی از آنست که شبکه‌های زنان و مردان از نظر ساخت (اندازه و ترکیب شبکه) تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای ندارند، اما از نظر خصوصیات تعاملی و کارکردی متفاوت می‌باشند. زنان انواع زنانه‌تر حمایت (عاطفی) و مردان انواع مردانه‌تر حمایت (مالی و اطلاعاتی) را فراهم می‌کنند. افراد شاغل و متأهل سرمایه اجتماعی بالاتری دارند. آنچه شبکه روابط زنان و مردان را از هم متمایز می‌سازد، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است که زنان و مردان دارند که ناشی از نابرابری‌های جنسیتی و عدم توزیع برابر امکانات و فرصت‌ها در جامعه می‌باشد.

وامقی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با عنوان «ارزیابی مردم از روابط اجتماعی و سلامت: مطالعه سلامت از دیدگاه مردم ایران» یک نمونه ۲۷۸۸۳ نفری از افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله ۳۰ استان کشور را مورد مطالعه قرار دادند. متغیر وابسته در این تحقیق «ارزیابی فرد از روابط اجتماعی خود» بود که با سؤال «روابط خود با خانواده، اقوام، آشنایان، و دوستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟» پرسیده شد. نتایج نشان داد که ۰/۹ درصد، روابط خود را «خیلی بد»، ۲/۶ درصد، روابط اجتماعی خود را «بد»، ۱۷/۲ درصد، روابط اجتماعی خود را «نه خوب نه بد»، ۵۴/۴ درصد روابط اجتماعی خود را «خوب»، و ۲۴/۵ درصد روابط اجتماعی خود را «خیلی خوب» ارزیابی کرده بودند (ص: ۱۸۶).

ویلسون (۱۹۹۳: ۷۰۷) در «شهرنشینی و روابط خانوادگی: آزمون چهار فرضیه» به دنبال سنجش تأثیر شهرنشینی بر چهار مسأله در رابطه با خانواده است: اینکه شهرنشینی موجب پراکنده شدن افراد خانواده می‌شود، شهرنشینی اهمیت افراد خانواده را برای یکدیگر کاهش می‌دهد؛ شهرنشینی تمامیت و استحکام خانواده را به مخاطره می‌اندازد و شهرنشینی کارکرد افراد در خانواده را تغییر می‌دهد. پراکندگی افراد خانواده با فاصله محل سکونت افراد سنجیده شد. اهمیت افراد خانواده با میزان و چگونگی روابط افراد اندازه‌گیری شد، استحکام خانواده با طلاق و زندگی با فرزندان مورد ارزیابی قرار گرفت و

تغییر کارکردهای خانواده از طریق میزان اتکای افراد خانواده بر یکدیگر در شرایط مختلف مورد سنجش قرار گرفت. میزان شهری بودن مناطق با تعداد جمعیت هر منطقه سنجیده شد؛ نتایج نشان داد که هرچند شهری شدن باعث کاهش ملاقاتهای چهره به چهره با اقوام دور می‌شود و احتمال متأهل بودن را کاهش می‌دهد و احتمال طلاق را بالا می‌برد، ولی این تأثیرات اندک هستند (ص: ۷۱۰).

کارپنتر و همکاران (۲۰۰۴) با به کارگیری دو شیوه پیمایش و شبیه‌سازی (یک سناریوی بازی‌گونه)، پنج محله از هر یک از دو شهر بانکوک (تایلند) و هوشیمین (ویتنام) به مطالعه سطح اعتماد افراد به یکدیگر و مشارکت در امور عمومی مربوط به محله خود پرداختند. نتایج، هرچند تفاوت‌های اندکی را بین محله‌های مختلف از جنبه‌های گوناگون نشان داد ولی در مجموع نشان از سطح نسبتاً بالای سرمایه اجتماعی در بین ساکنان این محلات بود (ص: ۸۷۰).

هارفام و دیگران (۲۰۰۴) در تحقیق خود به بررسی سلامت روانی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان حاشیه‌نشین شهر کالی از کشور کلمبیا پرداختند، متغیر سرمایه اجتماعی در دو بعد ساختاری و شناختی توسط هشت مؤلفه، یعنی؛ اعتماد به نهادهای دولتی، اعتماد به سازمان‌های محلی، اعتماد عمیق<sup>۱</sup> - یعنی اعتماد بین شخصی، اعتماد منتشر یا رقیق<sup>۲</sup> - یعنی اعتماد به افراد محله انسجام و یکپارچگی، کنترل اجتماعی، مشارکت مدنی همسایگان و مشارکت مدنی فرد اندازه‌گیری شد. یافته‌ها عموماً نشان از پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی مخصوصاً از ابعاد اعتماد و مشارکت داشت (ص: ۲۲۷۴).

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که بسیاری از این تحقیقات در شهرهای بزرگ انجام شده و نمی‌توان نتایج به دست آمده از آن‌ها را به آسانی به دیگر شهرها و روستاها تعمیم داد. زندگی در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها واجد ویژگی‌های مختص به خود است. از آنجایی که در مورد روابط اجتماعی در شهرهای کوچک و غیر صنعتی تحقیقات اندکی صورت گرفته است بنابراین تحقیق حاضر در راستای این امر محقق می‌گردد.

### روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر به روش پیمایشی انجام گردیده است. اطلاعات مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها به وسیله پرسشنامه با ۴۷ سؤال باز و بسته جمع‌آوری شده است. متغیر مستقل اصلی این پژوهش محل سکونت می‌باشد که به دو گروه شهری و روستایی تقسیم‌گرفته است. متغیرهای مستقل فرعی دیگر عبارتند از: جنسیت، سن، وضعیت تأهل، درآمد، تحصیلات، شغل، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، اعتقادات مذهبی، اعتماد اجتماعی، مشکلات اقتصادی، استفاده از وسایل ارتباطی الکترونیکی. شاخصهای متغیر وابسته (روابط اجتماعی) عبارتند از: روابط با اعضای خانواده، روابط با دوستان، روابط با همسایگان، روابط با اقوام و آشنایان که سعی شده برای جلوگیری از طولانی شدن پرسشنامه تا حد توان سؤالات معدود، جامع و مفید باشد که بدین منظور تعداد ۱۴ گویه در پرسشنامه گنجانیده شده است. برای محک زدن پرسشنامه، ابتدا مطالعه مقدماتی بر ۳۰ نفر از جامعه آماری انجام شد و پس از محاسبه مقدار آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۵۷، پرسشنامه نهایی تنظیم گردید. جامعه آماری شامل کلیه افراد ۲۰ تا ۶۰ ساله شهرستان سمیرم می‌باشد. به نظر می‌رسد این قشر از جمعیت به دلیل حضور بیشتر در جامعه به لحاظ اشتغال و یا تحصیل در مقاطع دانشگاهی، بهترین گروه برای این مطالعه باشند. بر اساس فرمول کوکران و محاسبه مقدار  $p$  برابر با ۰/۵۰، حجم نمونه آماری برابر ۳۸۵ نفر مشخص و انتخاب شده‌اند. برابر تقسیمات کشوری شهرستان سمیرم از ۴ شهر و ۱۰۲ روستا تشکیل شده است. با توجه به محدودیت‌های موجود از تعداد ۲ شهر (سمیرم، حنا) و همچنین ۱۰ روستا، متناسب با حجم جمعیت نمونه‌گیری سهمیه‌ای به عمل آمده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم افزار SPSS و در سطح توصیفی از فراوانی و میانگین و... و در سطح استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس یکطرفه و آزمونهای  $t$  استفاده شده است.

### توصیف نمونه آماری

بر اساس اطلاعات به دست آمده ۵۳/۸ درصد از پاسخگویان زن و ۴۶/۲ درصد مرد،

۴۹/۹ درصد مجرد و ۵۰/۱ متأهل، ۵/۲ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و یا بی سواد، ۱۳/۲ درصد راهنمایی، ۳۶/۱ درصد متوسطه، ۴۲/۹ درصد کاردانی و کارشناسی و ۲/۶ درصد کارشناسی ارشد و بالاتر بوده‌اند. نتایج تحلیل توصیفی همچنین حاکی از آن است که ۵۲/۲ درصد از پاسخگویان بدون درآمد، ۲۲/۶ درصد دارای درآمد کمتر از ۴۰۰ هزار تومان، ۱۸/۷ درصد دارای درآمد بین ۴۰۱ تا ۷۰۰ هزار تومان، ۴/۴ درصد دارای درآمد بین ۷۰۱ هزار تا یک میلیون تومان و ۲/۱ درصد دارای درآمد بالاتر از یک میلیون تومان بوده‌اند. بر اساس وضعیت شغلی، ۱۹/۲ درصد پاسخگویان بیکار، ۳۷/۴ درصد دارای مشاغل بدون درآمد (خانه‌دار، محصل، دانشجو، سرباز و ...)، ۷/۵ درصد مشاغل پاره‌وقت، ۲۲/۹ درصد مشاغل آزاد معمولی (کاسب، کشاورز، دامدار، باغدار، راننده و ...)، ۱۰/۱ درصد کارمندان معمولی و بازنشستگان دولتی، ۱/۸ درصد مشاغل آزاد پردرآمد (تاجر، دارای شرکت خصوصی و ...) و نهایتاً ۱ درصد نیز دارای مشاغل عالی و بلندپایه (پزشک، استاد دانشگاه، قاضی، وکیل و ...) بوده‌اند. از مجموع پاسخگویان ۱۶/۴ درصد خود را در سطح طبقه اجتماعی اقتصادی پایین، ۳۶/۶ درصد متوسط پایین، ۳۹ درصد متوسط بالا، ۶/۵ درصد بالا و فقط ۱/۶ درصد در سطح بالای بالا تصور نموده‌اند.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

بررسی میانگین برخی متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول شماره (۱): بررسی میانگین برخی متغیرهای تحقیق در نمونه و جامعه آماری

متغیر	میانگین نمونه*	انحراف معیار	خطای انحراف میانگین	مقدار t	درجه آزادی	Sig	تفاوت میانگین‌ها	سطح اطمینان ۹۵٪	
								کرانه بالا	کرانه پایین
روابط اجتماعی	۳/۲۲۰۶	۰/۵۲۰۹۷	۰/۲۶۵۵	۸/۳۰۸	۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۲۲۰۵۹	۰/۱۶۸۴	۰/۲۷۲۸
اعتماد اجتماعی	۳/۲۹۲۰	۰/۵۲۶۴۶	۰/۲۶۸۷	-۲۶/۳۵۴	۳۸۴	۰/۰۰۰	-۰/۷۸۰۰۱	-۰/۷۶۰۸	-۰/۶۵۵۲
اعتقادات مذهبی	۳/۶۳۴۱	۰/۶۵۰۴۵	۰/۳۳۱۵	۱۹/۱۲۹	۳۸۴	۰/۰۰۰	۰/۶۳۴۱۴	۰/۵۶۹۰	۰/۶۹۹۳
مسائل اقتصادی	۲/۶۸۰۵	۰/۶۵۹۱۲	۰/۳۳۵۹	-۹/۵۱۱	۳۸۴	۰/۰۰۰	-۰/۳۱۹۴۸	-۰/۳۸۵۵	۰/۲۵۳۴

\*Test Value = 3

ارقام جدول بالا حاکی از آن است که میانگین نمره متغیرهای روابط اجتماعی (متغیر وابسته)، اعتماد اجتماعی و اعتقادات مذهبی در سطح نمونه آماری بالاتر از حد متوسط می‌باشد ولی میانگین نمره متغیر مسائل اقتصادی پایین‌تر از حد متوسط و برابر ۲/۶۸۰۵ می‌باشد.

### بررسی ارتباط متغیر محل سکونت با روابط اجتماعی

جدول شماره (۲): بررسی ارتباط محل سکونت با متغیر روابط اجتماعی

فاصله اطمینان ۹۵٪	تفاوت خطای استاندارد		تفاوت میانگینها	Sig	df	t	Sig	F	میانگین در نمونه	ت آزمون دوگروهی مستقل
	کرانه بالا	کرانه پایین								
۰/۰۹۹۷۵	-۰/۱۰۹۴۲	۰/۰۵۳۱۹	-۰/۰۰۴۸۴	۰/۹۲۸	۳۸۳	-۰/۰۹۱	۰/۷۹۵	۰/۰۶۷	واریانس برابر	روابط اجتماعی
۰/۰۹۹۹۰	-۰/۱۰۹۵۷	۰/۰۵۳۲۷	-۰/۰۰۴۸۴	۰/۹۲۸	۳۷۸/۷۵۱	-۰/۰۹۱			واریانس نابرابر	دو گروه روستایی و شهری

نتایج جدول بالا نشان از این دارد که میانگین روابط اجتماعی چه در شهر و چه در روستا، بالاتر از حد متوسط بوده و هیچ ارتباط معناداری بین محل سکونت افراد و روابط اجتماعی آنان وجود ندارد. در این خصوص می‌توان اینگونه استدلال نمود که با توجه به فن‌آوریهای موجود و باب شدن استفاده از وسایل ارتباطی نوین مانند اینترنت و تلفنهای همراه و ... تفاوت بین شهر و روستا شاید فقط در ابعاد جمعیتی آن خلاصه شود. در حقیقت روستاهای امروزی خیلی سریع عناصر زندگی شهری را به خود گرفته و فاقد آن انسجام و پیوستگی‌های گذشته می‌باشند. این نتیجه برخلاف دیدگاه جبرگرایان و مؤید دیدگاه ترکیب‌گرایان می‌باشد. از نظر ترکیب‌گرایان، خود شهرنشینی هیچ اثری بر روابط اجتماعی ساکنان شهر ندارد، زیرا رفتارها ناشی از ترکیب گروه است. این دیدگاه تفکیک شدید بین شهر و روستا را به عنوان دو عنصر مخالف از لحاظ روابط اجتماعی نپذیرفته است. با عنایت به دیدگاه ترکیب‌گرایان و صرف نظر از مسأله تأثیر شهرنشینی، برخی عوامل دیگر که محقق اعتقاد به تأثیر آنها بر روابط اجتماعی افراد دارد، در ادامه



مورد بررسی واقع شده‌اند.

جدول شماره (۳): بررسی ارتباط متغیرهای جنس، تأهل و محل سکونت با متغیر روابط اجتماعی

فاصله اطمینان ۹۵٪	تفاوت		تفاوت میانگینها	Sig	df	t	Sig	F	میانگین در نمونه	t آزمون دوگروهی مستقل
	خطای استاندارد	خطای استاندارد								
۰/۱۶۰۴۶	۰/۰۴۸۹۲	۰/۰۵۳۲۵	۰/۰۵۵۷۷	۰/۲۹۶	۳۸۳	۱/۰۴۷	۰/۷۳۶	۰/۱۱۴	واریانس برابر	روابط اجتماعی دو گروه زنان و مردان
۰/۱۶۰۸۴	۰/۰۴۹۳۰	۰/۰۵۳۴۳	۰/۰۵۵۷۷	۰/۲۹۷	۳۶۸/۶۵۴	۱/۰۴۴			واریانس نابرابر	روابط اجتماعی دو گروه متأهل و مجردها
۰/۲۱۳۸۳	۰/۰۰۵۹۱	۰/۰۵۲۸۷	۰/۱۰۹۸۷	۰/۰۳۸	۳۸۳	۲/۰۷۸	۰/۳۱۲	۱/۰۲۶	واریانس برابر	روابط اجتماعی دو گروه متأهل و مجردها
۰/۲۱۳۸۱	۰/۰۰۵۹۲	۰/۰۵۲۸۷	۰/۱۰۹۸۷	۰/۰۳۸	۳۸۱/۸۳۶	۲/۰۷۸			واریانس نابرابر	روابط اجتماعی دو گروه متأهل و مجردها

نتایج جدول بالا حاکی از آن است که ارتباط متغیر وضعیت تأهل با روابط اجتماعی معنادار بوده و مقدار میانگینها برابر ۳/۱۶۵۸ برای متأهلان و ۳/۲۷۵۷ برای مجردها و همچنین مقدار sig به دست آمده برابر با ۰/۳۸. تأیید فرضیه را می‌رساند؛ به طوری که به نظر می‌رسد مجردها دارای روابط اجتماعی قوی‌تری نسبت به متأهلان می‌باشند. در توجیه این امر می‌توان گفت شاید مجردها که اغلب نسل جوان جامعه را تشکیل می‌دهند به واسطه فرآیندهای دوست‌یابی نظیر تحصیل در دانشگاه و برخورداری از سطوح تحصیلی بالاتر و همچنین میل به یافتن شغل مناسب، نیازمند ارتباطات اجتماعی گسترده‌تری نسبت به متأهلان باشند.

نتایج به دست آمده درباره رابطه جنسیت و روابط اجتماعی نیز حاکی از عدم ارتباط معنادار بین جنسیت و روابط اجتماعی می‌باشد. هرچند انتظار می‌رود زنان خونگرم‌تر و دارای ارتباطات اجتماعی موثرتر و بیشتری از مردان باشند، اما نتایج به دست آمده این انتظار را تأیید نمی‌کند. این نتیجه مؤید نتایج تحقیق صالحی (۱۳۸۴) می‌باشد.

## بررسی برخی فرضیه‌های تحقیق با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه

جدول شماره (۴): بررسی برخی فرضیه‌های تحقیق با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه

آزمون تحلیل واریانس یکطرفه	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجموع مربعات میانگین	آماره F	sig	Eta	Eta <sup>2</sup>
بررسی میزان روابط بین گروهی	۳/۰۹۱	۴	۰/۷۷۳	۲/۹۰۴	۰/۰۲۲		
اجتماعی بر حسب درون گروهی	۱۰۱/۱۲۸	۳۸۰	۰/۲۶۶	-	-	-	-
سطح تحصیلات جمع	۱۰۴/۲۱۹	۳۸۴	-	-	-	-	-
بررسی میزان روابط بین گروهی	۱/۷۸۰	۶	۰/۲۹۷	۱/۰۹۵	۰/۳۶۵		
اجتماعی بر حسب درون گروهی	۱۰۲/۴۳۹	۳۷۸	۰/۲۷۱	-	-	-	-
وضعیت شغلی جمع	۱۰۴/۲۱۹	۳۸۴	-	-	-	-	-
بررسی میزان روابط بین گروهی	۲/۵۱۰	۴	۰/۶۲۸	۲/۳۴۴	۰/۰۵۴		
اجتماعی بر حسب درون گروهی	۱۰۱/۷۰۹	۳۸۰	۰/۲۶۸	-	-	-	-
میزان درآمد جمع	۱۰۴/۲۱۹	۳۸۴	-	-	-	-	-
بررسی میزان روابط بین گروهی	۱/۹۰۶	۴	۰/۴۷۷	۱/۷۷۰	۰/۱۳۴		
اجتماعی بر حسب درون گروهی	۱۰۲/۳۱۳	۳۸۰	۰/۲۶۹	-	-	-	-
پایگاه اجتماعی اقتصادی جمع	۱۰۴/۲۱۹	۳۸۴	-	-	-	-	-

نتایج به دست آمده حاکی از وجود رابطه معنادار بین سطح تحصیلات و روابط اجتماعی می‌باشد. نتیجه پژوهش با نتایج به دست آمده توسط جلالی پور و عبدالله پور (۱۳۸۸) و همچنین نتایج تحقیق علیرضائزاد و سرایی (۱۳۸۶) همسو می‌باشد.

درباره ارتباط متغیرهای شغل و میزان درآمد با روابط اجتماعی، نتایج به دست آمده نشان از عدم معناداری این رابطه دارد، به طوری که بر اساس میزان روابط اجتماعی، تفاوت چندانی بین گروه‌های شغلی و درآمدی موجود دیده نشده است. نتیجه به دست آمده در خصوص ارتباط شغل و روابط اجتماعی با نتایج پژوهش علیرضائزاد و سرایی (۱۳۸۶) ناهمسو می‌باشد.

بر اساس داده‌های جدول بالا هیچگونه ارتباط معناداری بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و

روابط اجتماعی وجود ندارد.

### آزمون برخی فرضیه‌های تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون

جدول شماره (۵): آزمون برخی فرضیه‌های تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون

ضریب همبستگی پیرسون	سن	اعتقادات مذهبی	استفاده از وسایل نوین ارتباطی	اعتماد اجتماعی	مسائل و مشکلات اقتصادی
r	-۰/۱۵۳	۰/۴۱۷	-۰/۱۳۳	۰/۰۱۶	-۰/۰۵۸
Sig	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۹	۰/۷۵۱	۰/۲۵۵
n	۳۸۵	۳۸۵	۳۸۵	۳۸۵	۳۸۵

نتایج به دست آمده نشان از وجود رابطه معنادار معکوس بین سن و روابط اجتماعی دارد به طوری که با افزایش هرکدام، دیگری کاهش می‌یابد. این نتیجه با نتایج پژوهش جلالی پور و عبدالله پور (۱۳۸۸) همسو می‌باشد. رابطه بین استفاده از وسایل ارتباطی نوین و روابط اجتماعی نیز به همین صورت می‌باشد. به نظر می‌رسد مهمترین فاکتور و عامل تأثیرگذار بر روابط اجتماعی افراد همین عامل باشد. نتایج همچنین نشان می‌دهد رابطه بین اعتماد و روابط اجتماعی معنادار نبوده و فرضیه مزبور مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. ارتباط متغیر مشکلات اقتصادی با روابط اجتماعی نیز فاقد معنا بوده و نتایج به دست آمده رد فرضیه مربوط را نشان می‌دهد.

ارتباط بین اعتقادات مذهبی و روابط اجتماعی معنادار بوده، بنابراین فرضیه مزبور مورد تأیید قرار می‌گیرد؛ این ارتباط می‌تواند ناشی از آموزه‌های مذهبی دین اسلام مبنی بر اهمیت صلۀ ارحام و روابط اجتماعی در جامعه باشد. اسلام به عنوان دینی که پاسخگوی نیازهای ضروری روحی و جسمی انسان‌ها در تمام عصرها و مکان‌هاست، نه تنها روابط سازنده اجتماعی را مورد تأیید قرار داده، بلکه با پایه‌گذاری برخی از اصول در روابط اجتماعی، اهمیت آنها را به جامعه ایمانی گوشزد کرده است.

### نتیجه‌گیری:

اهمیت ارتباط را نه تنها با شاخص فقدان ارتباط و آثار آن می‌توان سنجید، بلکه از طریق

آثار و عوارضی که در صورت کاستی در ارتباط انسانی پدید می‌آیند نیز می‌توان مشاهده کرد. هر قدر دانش اجتماعی به پیش می‌رود، بیشتر مشخص می‌شود که انسان منزوی، تنها و فاقد ارتباط با دیگران، در معرض بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله خودکشی است. به اعتقاد نوربرت الیاس انسانها ذاتاً اجتماعی هستند و تنها از طریق روابط خود با دیگران موجودیت می‌یابند و ساختار شاکله یا «طبیعت ثانوی» خود را گسترش می‌دهند و تنها از طریق وابستگی‌های متقابل خود با دیگران به عنوان بخشی از شبکه‌های روابط اجتماعی قابل شناخت هستند (مجدالدین، ۱۳۸۳: ۴۵). امیل دورکیم، در اثرش (خودکشی) به همین نتیجه دست می‌یابد، از این رو از دیدگاه او، خودکشی بیش از آن که منبعث تنگدستی، مرض و یا حتی نقص عضو باشد از خلأ بین فرد و جامعه یا کاستی در روابط انسانی منشأ می‌گیرد؛ از همین روست که امروزه از (گروه درمانی) سخن رانده می‌شود؛ بدین معنی که با بسط و تحکیم ارتباط انسان با دیگران، می‌توان بسیاری از نابسامانیهای روانی وی را تسکین داد.

تأکید بر اهمیت اثرات مثبت روابط اجتماعی بر فرد و نگرانی و دغدغه نسبت به تنزل روابط اجتماعی معنادار در جوامع جدید، از مفاهیم و بحث‌های مهم جامعه‌شناسی هستند.

خوشبختانه نتایج تحقیق نشان می‌دهد میانگین روابط اجتماعی در شهرستان سمیرم بالاتر از حد متوسط و در حد مطلوبی می‌باشد، اما به احتمال قوی این نتایج در شهرهای بزرگ صنعتی و کلان‌شهرها نمی‌تواند تکرار شود. زندگی در جامعه شهری انسانها را به سمت فردگرایی مفرط می‌کشاند و همین اندیشه‌ها و توجه مفرط به موفقیتها و موقعیتهای فردی باعث درگیری بیش از حد انسان در زندگی روزمره شخصی شده، باعث کاهش شدید روابط اجتماعی می‌شود.

فن‌آوریهای دیجیتالی به وجود آمده نیز اثرات بسیاری بر روابط اجتماعی افراد گذارده است. به اعتقاد گیدنز دو دیدگاه متفاوت موافق و مخالف در این زمینه بروز کرده که در یک طرف، ناظران و مفسرانی هستند که دنیای اینترنت را پشتوانه شکلهای نوین روابط

الکترونیکی می‌دانند که تعامل‌های رو در روی کنونی را یا تقویت و یا تکمیل می‌کنند و باعث افزایش و بهبود روابط اجتماعی گردیده و در طرف دیگر مخالفانی چون مانوئل کاستلز و فرانسیس فوکویاما، معتقدند که این فن‌آوریها باعث انهدام روابط اجتماعی و استحاله ارزشهای آن گردیده است. از نظر اینها گسترش فن‌آوری اینترنت به انزوا و انفراد اجتماعی روزافزون منجر می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۷: ۶۸۲) آنچه که نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد، وجود ارتباط معنادار بین این دو می‌باشد که مؤید دیدگاه مخالفان می‌باشد. به نظر محقق با پیدایش فن‌آوریهای همچون تلفن همراه، اینترنت، بانک‌داریهای الکترونیکی و... موجبات فرسایش روابط اجتماعی چهره به چهره و فیزیکی در حد بالایی فراهم آمده و باعث از دست رفتن آن گردیده است. این موضوع که می‌توان به جای صرف وقت و تحمل هزینه‌های جانبی برای تردهای روزانه، به آسانی و با استفاده از همین فن‌آوریها، به رفع و رجوع مواردی چون امور بانکی، ادامه تحصیل، خریدهای روزمره و بسیاری از امور دیگر پرداخت، باعث شده است که جامعه انسانی، دیگر به شدت قبل شاهد روابط چهره به چهره و منابع منبعث از آن نباشد. گهگاه این اندیشه در ذهن انسان به وجود می‌آید که ممکن است روزی فرا رسد که تمام امور انسانها به واسطه همین فن‌آوریها، در خانه و پای میزهای رایانه و یا تلفنهای همراه در دست آنها انجام شود، بدون اینکه نیازی به بیرون رفتن از خانه باشد، که چنانچه این اتفاق روزی بروز نماید، می‌تواند به عنوان یکی از بزرگترین فاجعه‌های جامعه انسانی مطرح گردد. در یک جمع‌بندی کلی باید گفت که نظریات جبرگرایان در این تحقیق مورد تأیید و حمایت قرار نگرفته و به نظر می‌رسد دیدگاه ترکیب‌گرایان بیشتر منطبق بر واقعیت باشد. در مجموع و با توجه به نتایج به دست آمده این پژوهش می‌توان گفت ممکن است بسیاری عوامل دیگر توان تأثیرگذاری بر روابط اجتماعی را داشته باشند که به واسطه محدودیتهای موجود امکان بررسی آنها فراهم نگردیده است و در این تحقیق از نظر دور مانده‌اند.

## منابع

- اعظم آزاده، منصوره، دهقان دهنوی، آزاده. (۱۳۸۸). «اشتغال دانشجویان: رابطه بین شبکه روابط اجتماعی و وضعیت شغلی»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال شانزدهم، شماره ۶۳.
- باستانی، سوسن؛ کمالی، افسانه و صالحی هیکوئی، مریم. (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی»، *دو فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال شانزدهم، شماره ۶۱.
- بزی، خدارحم، اکبر کیانی، یاسین حنیفی اصل، و امیر راضی. (۱۳۸۹). *تحلیل تفاوت‌های مکانی سرمایه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی کشور (مقایسه تطبیقی مراکز شهری و روستایی شهرستان ارومیه)*. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره یازدهم، شماره ۲.
- توفیق، فیروز. (۱۳۸۳). «شهرنشینی و پیامدهای آن» *مسائل اجتماعی ایران*، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: مؤسسه نشر آگه.
- جلابی پور، حمیدرضا؛ عبدالله پور جمال. (۱۳۸۸). «روابط اجتماعی شهری، پژوهشی در چگونگی و عوامل مرتبط با آن در شهر سردشت»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- ربانی، رسول. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی شهری*. ویرایش دوم، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان و انتشارات سمت.
- علیرضائزاد سهیلا؛ سرائی، حسن. (۱۳۸۶). «گستره شبکه روابط اجتماعی زنان شهری و تأثیر تحصیلات دانشگاهی بر آن»، *پژوهشنامه علوم انسانی*، شماره ۵۳.
- شارع پور، محمود. (۱۳۸۳). *ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن، مسائل اجتماعی ایران*، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: مؤسسه نشر آگه.
- صالحی، مریم. (۱۳۸۴). «بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی شبکه و اعتماد متقابل بین شخصی و جنسیت»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*، دانشگاه الزهرا.
- صدیق سروستانی، رحمت اله. (۱۳۷۱). «انسان و شهرنشینی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۱، (۴)، جلد دوم، زمستان، صص ۲۲۶-۱۹۸.

- \_\_\_\_\_ . (۱۳۷۱). «طرح بررسی روابط همسایگی در شهر تهران»، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- عبداللهی، محمد و میرطاهر موسوی. (۱۳۸۶). سرمایه اجتماعی در ایران: وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۵.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). انسان‌شناسی شهری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مجدالدین، اکبر، نوربرت الیاس. (۱۳۸۳). بنیان‌گذار جامعه‌شناسی فرآیند، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۲-۴۱.
- نقدی، اسدالله و خلیل کمربگی. (۱۳۸۹). مطالعه وفاق اجتماعی عام در جوامع شهری، روستایی و عشایری ایلام، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.
- وامقی، مروثه م همکاران. (۱۳۹۲). ارزیابی مردم از روابط اجتماعی و سلامت: مطالعه سلامت از دیدگاه مردم ایران، فصلنامه پایش، سال دوازدهم، شماره دوم.
- Carpenter, Jeffrey P.; Amrita G. Danieri, and Louis M. Takahashi. (2004). "Social Capital and Trust in South-east Asian Cities", *Urban Studies*, Vol. 41, no. 4, April, pp. 853-874.
- Fischer, Claude. (1975). "Toward a Subcultural Theory of Urbanism". *American journal of Sociology*, 80, pp. 1319-1341.
- Gans, Herbert j. (1982). *The Urban Villagers :Group and Class in the Life of Italian Americans*. Updated and Expanded Edition. New York: The Free press.
- Harpham, T; ,E. carant, and c. Rodriguez. (2004). "Mental Health and Social Capital in Cali, Colombia". *Social Science and Medicine*, 58, pp. 2267-2277.
- Johnson David, W. Frank, P. Johnson. (2000). *Together Group Skills*. Allyn & Bacon. p 130.
- Kasinitz, P (1995), "Metropolis" New York, "New York University Press.
- Lobao, Linda. (2007). "Rural Sociology" in *21th Century Sociology: Traditional and Core Areas*, edited by Clifton D. Bryant and Dennis L. Peck, Vol. one, Thousand Oaks, California: Sage publications, Inc.
- palen, John J. (2011). *The Urban World*, Ninth edition, Oxford: Oxford University Press .
- Sassen, Saskia. (2007). "Urban Sociology" in the 21th Century" in *21th Century Sociology: Traditional and Core Areas*, edited by Clifton D. Bryant and Dennis L. Peck, Vol. one, Thousand Oaks, California: Sage publications,

Inc.

- Wilson, Thomas C. (1993). "Urbanism and Kinship Bonds: A Test of Four Generalizations". *Social Forces* 71(3), pp.703-712.

-Wirth, L. (1938), "Urbanism as a way of Life" *The American Journal of Sociology*, July, Volume XLIV, Number 1, pp: 1-24.



